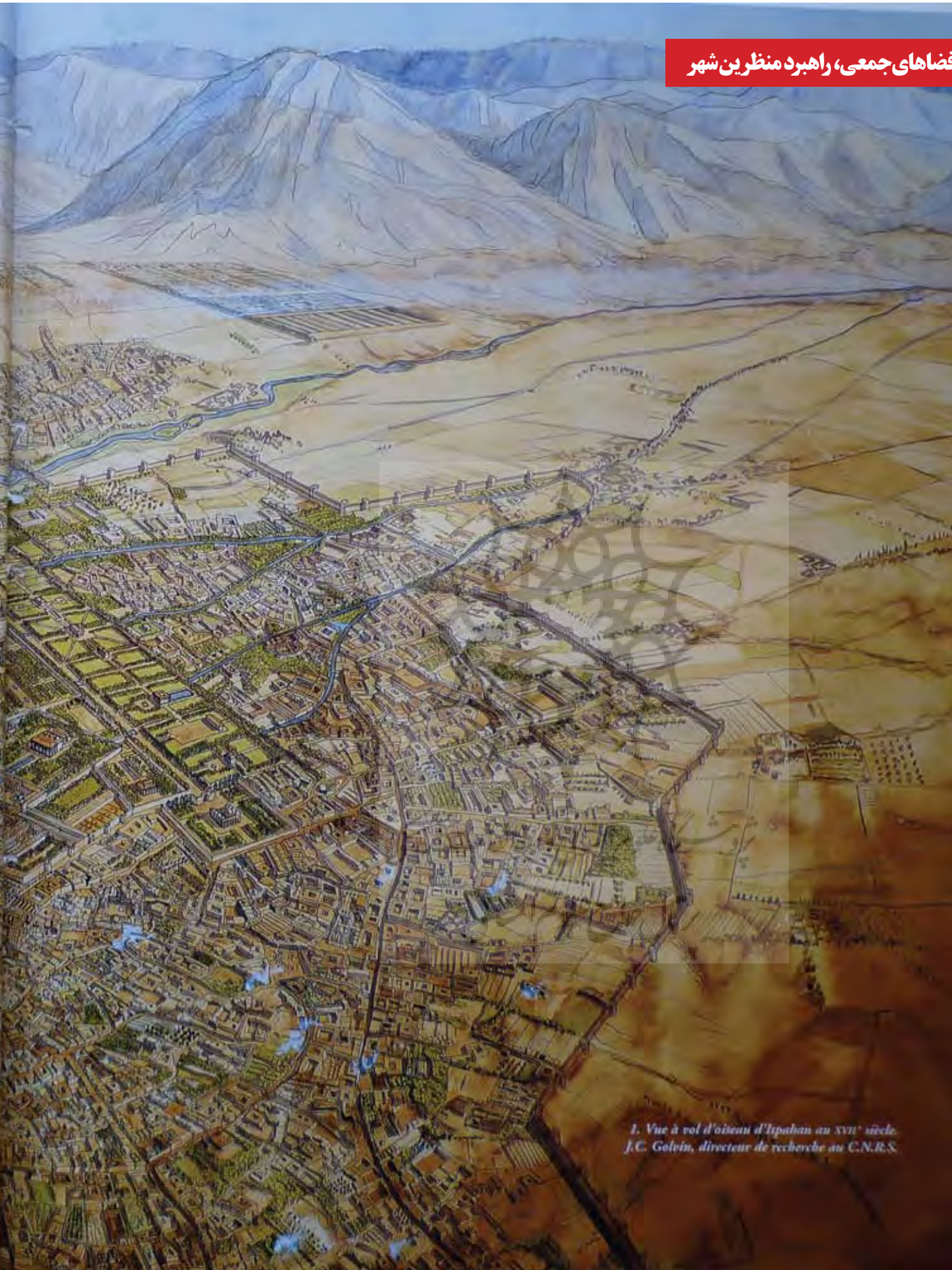


توسعه فضاهای جمعی، راهبرد منظرین شهر

منظر شهری، یک امتیاز عمومی



1. Vue à vol d'oiseau d'Isfahan au XVII^e siècle.
J.C. Golvin, directeur de recherche au C.N.R.S.

فیلیپ روو
دکتری معماری شهرسازی.

ترجمه و تنظیم: مریم السادات
منصوری، کارشناس ارشد
معماری منظر، دانشگاه
لاویلت پاریس

Philippe revault, Ph.D in
Architecture Urbanism
revaultphilippe@gmail.com



Urban landscape, A public advantage

Development of collective spaces, the landscape strategy of city

میراث فرهنگی، مرز تفاوت‌ها

بسیاری از افراد در سفر به مقاصد متنوع، به دنبال آن چیزهایی می‌گردند که «وجه اشتراک» آنها باشد؛ از خوراک گرفته تا منظر. و آنان از این تشابه لذت می‌برند. این رویکرد می‌تواند مصداقی باشد برای تشکیل یک «فرهنگ واحد جهانی». گروه دیگری از مردم به دنبال کشف تفاوت‌ها هستند، از آنها لذت می‌برند و می‌آموزند که بدون قضاوت کردن، آنها را بپذیرند. این لذت را من، در تمامی «جایایی» هایم لمس کرده‌ام و معتقدم که حفظ «تفاوت فرهنگ‌ها» امری غیر قابل انکار است. یکی از فاکتورهای تنوع و تفاوت فرهنگ‌ها در منظر شهری است. این نوشتار درصدد است فضای جمعی را به عنوان فاکتور معرفی شهر، ارائه نماید.

فضای جمعی به شهر شکل می‌بخشد.

شهرها، از لحظه تولد، که باستان‌شناسان بعضاً آن را به پنج هزار سال پیش نسبت داده‌اند؛ نتیجه میل بشر برای گردهم آمدن و به اشتراک گذاشتن ارزش‌ها، تولید، اختراع، اقتصاد و غیره بوده‌اند. این گردهم‌آیی، هنگامی شهری می‌شود که در فضایی مشترک به وقوع بپیوندد. این پدیده، ظهور تفاوت است میان فضای خصوصی- دارای مالکیت فردی- و فضای عمومی- مشترک میان جامعه بشری (تصویر ۱).

منظر شهری نتیجه ارتباط خوب شهر و بستر

"قصبه‌الجزیره و بستر آن، شهر را خلق کرد"، این عبارت ظریفی که «آندره راورو»^۲ در کتابی برای معرفی شهر تاریخی الجزیره برگزید، می‌تواند برای بسیاری از شهرها و نواحی شهری مناسب باشد. تنوع بی‌حد این سرزمین‌ها در کشور ایران، از کوه و دره گرفته تا صحرا و دریا، چنان است که بیان آن در این مجال نمی‌گنجد.

تمایز میان فضای خصوصی و عمومی در تمام شهرها مشاهده می‌شود؛ حتی اگر بعضاً مفهومی را که دربر می‌گیرد به تناسب فرهنگ‌ها متفاوت شود. آنچه که به شهر شکل می‌دهد در قدم اول بر خصوصیات جغرافیای آن و سپس،



تصویر ۱: اصفهان

شکل شهری‌اش که زندگی عمومی در آن ظاهر می‌شود، استوار شده است. کیفیت‌های منظر شهری حاصل تعامل - یا به قولی، هوش - شهر است با بستر؛ به عبارتی دیگر، تلاقی تاریخ شهری با جغرافیایی خاص است (تصویر ۲).

گذار جنبش مدرن در مقابل سرزمین و فضای عمومی

یکی از نقدهای مطرح در مورد جنبش مدرن و نتایج آن، محو شدن ارتباط میان ساختار شهر با تاریخ مشترک و سرزمین است. در همین راستا، شهرها بر آن شدند تا از زمینه‌ای که توسط تاریخ و جغرافیا بدست آمده، عبور کرده، حتی آن را نفی کنند و بتوانند جایگزین آن شوند و خود، زمینه باشند!

نقد دیگر، از بین رفتن تفاوت بارز میان فضاهای عمومی و خصوصی است. فضای خصوصی در لباس ساختمان، معرف اصلی شهر شده است و در آن، شهر، خود را با محو کردن فضای عمومی غیر رسمی و کمرنگ نشان می‌دهد. نتیجه این برخورد پاک شدن فضای عمومی است که اولین فاکتور شکل‌دهنده منظر شهری بوده است.

کشف دوباره آنچه که شهر و شهرسازی آن را شکل می‌دهد.

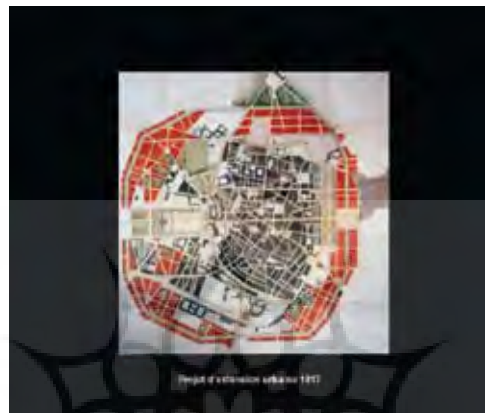
حدود دو دهه است که پژوهش‌های شهرسازی در اروپا، به دنبال تأکید دوباره بر اهمیت فضاهای عمومی شهر به عنوان عنصری کیفیت‌دهنده به زندگی اجتماعی است. فضای عمومی به مثابه ویژگی دائمی و پایدار شهر در زمان به خطر افتادن، «مصلحت عمومی» آن تلقی می‌شود. فضای عمومی، چارچوب شهر را به عنوان فضایی که زندگی در آن جریان دارد و نشانه محرز شناسنامه فردی و اشتراکی است، مشخص می‌کند. «میشل آنسلم»^۳ در کتاب «از صدا تا سخن»، در تحقیقی که برای رفتار جوانان شهر لیون کرده، نشان می‌دهد که چطور خیابان جمهوری و فضای عمومی آن، مکانی است برای یادگیری از دیگران، و از این طریق در برنامه آموزش و پرورش اجتماعی و شهروندی شرکت می‌کند.

شکل شهری و ایده شهر

فضای عمومی پیش از آن که یک فضای کالبدی باشد، یک فضای سیاسی است که فهمیده شدن مقدم بر اجرای آن است. بنابراین فضای عمومی به مثابه مخزن هدف‌های شهری، قبل از هرگونه خلق یا تغییر، باید موضوع تبادل نظر عموم باشد. اولین گفتگو، موضوع اندیشه‌ها است و نه شکل‌ها. شکل، در برابر دید همچون نمایش یک اندیشه در بحث به کار بیان افکار خواهد آمد. گفتگو، شامل مباحث جهت‌گیری در مورد ساماندهی فضای عمومی و نحوه قرار گرفتن آن در کنار سایر فضاهای عمومی شهر می‌شود. یعنی باید در سامانه فضاهای عمومی شهر حل شود و به عنوان عنصری منفعل عمل نکند (تصویر ۳).



تصویر ۲: نقشه شهر گرونبل، شهر قدیم و شهر جدید.



تصویر ۳: نقشه توسعه و مدرنیزاسیون شهر مَنبَلیه، ۱۸۱۷.



تصویر ۴: فلورانس عهد رنسانس، ادموند ان بیکن.



تصویر ۵: میدان راه آهن، استراسبورگ.

تفکر در مورد شهر و سپس، معرفی آن

بررسی نقشه شهرهای قدیم که اواخر قرن ۱۸ و قرن ۱۹ شکل گرفته است، نمونه‌ای را معرفی می‌کند که در آن، شکل شهر از شکل فضاهای عمومی آن زاده می‌شود. تنها فضای عمومی است که با امتداد اثر خود، زمین‌های شهر را که به جزایری خصوصی تقسیم شده‌اند به یکدیگر متصل می‌کند. بنابراین شهر، اساساً توسط فضاهای عمومی خود معرفی می‌شود درحالی‌که فضاهای خصوصی از آنها منتج شده‌اند (تصویر ۴).

«ادموند بیکن»^۴، در کتاب «طراحی شهرها» شهر فلورانس را در زمان رنسانس معرفی می‌کند که از شبکه خیابان‌ها و میدانگاه‌های داخل حصار پدید آمده و او بر شبکه‌ای که ابنیه مهم را به هم می‌پیوندند، تأکید می‌کند.

تجاریبی از پروژه‌های منظر شهری، با تأکید بر فضای عمومی

مدت کوتاهی است شهرهای اروپایی آموخته‌اند با پرداختن به فضاهای عمومی و از آن طریق به منظر شهری، می‌توانند کیفیت زندگی شهروندان را بالا برده و جایگاه مهمی در مسابقه جذب سرمایه کسب کنند.

در دهه ۹۰، شهردار جدید شهر استراسبورگ، «کاترین ترومن»^۵، تصمیم گرفت با وارد کردن تراموا به فضاهای عمومی اصلی شهر، ارزش دوباره به این فضاها ببخشد. سپس این برنامه به تمامی فضاهای عمومی شهر و حتی فضاهای تاریخی و حومه‌ها نیز تعمیم یافت. مرحله آخر عبارت از تبدیل ایستگاه‌های تراموا به فضاهای عمومی از طریق ایجاد فضاهای تجاری و خدماتی بود. برای این منظور، برنامه‌ای تحت عنوان «مأموریت تراموا» مطرح شد که وظیفه آن اتصال فعالیت‌های خصوصی و عمومی شهر برای طرح‌ریزی، ادراک و اجرای منظر شهری جدیدی با رویکرد پویایی شهری بود. نتیجه این مأموریت که در آن تمام بخش‌ها همکاری داشتند، محو تفکیک ناحیه‌ای خدمات شهری (راه، حمل و نقل عمومی، فضای سبز، ...) و توسعه آنها در تمام سطح شهر و ایجاد شهر مختلط بود. یادآوری می‌شود که در مورد ساماندهی میدان کَلِبِر (میدان آرم قدیم) پروژه‌ای برنده شد که توانست در برنامه خود ایجاد معنا کند (تصاویر ۵، ۶ و ۷).

کاری که استراسبورگ تحت عنوان مأموریت تراموا انجام داد، در شهر لیون به گونه‌ای دیگر اجرا شد: توسعه عرضی خدمات شهری برای خلق امکانی به نام «فضاهای عمومی». این برنامه مسئولیت طرح‌ریزی و جانمایی فضاهای عمومی شهر لیون را با در نظر گرفتن تراکم بالای آن، یعنی لیون بزرگ، برعهده داشت. بدین ترتیب، لیون بزرگ توانست منظر شهری را در همه موفقیت‌های شهری خود پیشرفت دهد؛ در مرکز، محلات، حومه‌ها یا در پروژه‌های مسکن عمومی. این برنامه برای توسعه فرهنگ به اشتراک گذاشتن فضای عمومی، «منشور فضاهای عمومی» را با تکیه بر تجارب متعدد تدوین کرد.

ارزیابی مجدد یک «مجموعه بزرگ» مسکن‌های عمومی در حومه لیون، با تبعیت از زمان‌بندی ارائه شده برای پروژه بازسازی کامل منظر شهری، می‌تواند مصداق این رویکرد باشد. گام نخست عبارت بود از تعریفی روشن از مرز میان

این رویکرد غیر قابل جبران در همه مواردی که اجرا شد، بی‌معنا جلوه کرد. در بخش تاریخی شهر، این تصمیم منجر به تخریب میراث شهری شد. کفسازی خیابان‌های آورسا با بازالت از چندین قرن پیش، آن را به شاخصه این شهر تبدیل کرده بود. از نظر هویت شهری، بازالت سیاه استفاده شده در کفسازی خیابان‌ها و فضاهای جمعی نشانه وجود آتشفشان وزوو در نزدیکی شهر است. از منظر توسعه پایدار نیز، هزینه افزوده وارد کردن مصالح از سرزمینی دور قابل ملاحظه است، خصوصاً که در این شهر قبلاً همه چیز از خاک رُس - که در منطقه فراوان است - ساخته می‌شد، چنان‌که در ایران، خانه‌ها از همان مصالحی ساخته می‌شدند که در مکان احداث بنا یافت می‌شد.

بنابراین گاهی تفکر به جمله «آلفرد پیتر»، معمار منظر مفید است: "نور را بیش از حد نتابانید تا سنجاب‌ها بیدار نشوند!" (تصاویر ۱۰ و ۱۱) ■



تصویر ۱۰: آورسا، خیابانی با کفسازی بازالت در مرکز تاریخی شهر.



تصویر ۱۱: آورسا، خیابان اصلی شهر، نوسازی شده.

پی‌نوشت

این مقاله حاصل تجربه نگارنده به عنوان همکار برنامه آموزش فضای جمعی در مدرسه ملی راه و پل پاریس است که از پانزده سال پیش آغاز شده است.

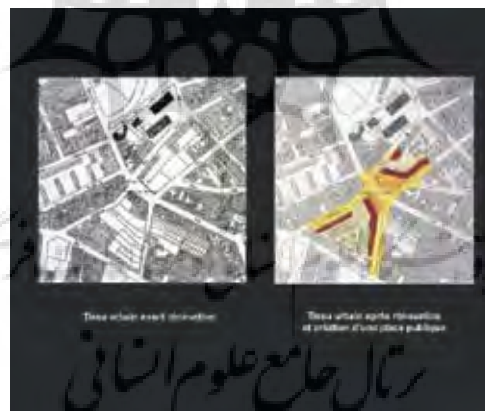
۱. Philippe Revault
۲. André Ravéreau « La Casbah d'Alger, et le site créa la ville » Paris, ed. Sinbad, 1989
۳. Michel Anselme « Du bruit à la parole. La scène politique des Cités » ed. L'Aube, 2000.
۴. Edmund N. Bacon « Design of Cities » ed. Penguin Book, 1976
۵. Catherine Trautmann
۶. Roubaix



تصویر ۶: میدان کلپن، استراسبورگ. تراموا وارد شهر شده و با فضاهای پیاده و دوچرخه آمیخته می‌شود.



تصویر ۷: بازسازی یک مجتمع بزرگ مسکن‌های اجتماعی، دهه ۷۰ (۱۹۷۰)، و آن وُلن.



تصویر ۸: روبه: نقشه منطقه، قبل و بعد از احداث میدان.



تصویر ۹: روبه، میدان جدید با ساختمان‌هایی که مرزها را محو می‌کنند.

فضای خصوصی و عمومی. گام دوم شامل خلق فضای جمعی در شکل‌های متنوع بود: خیابان، بولوار، میدان، زمین بازی. این روش، باعث اتصال پیاده نقاط مختلف شهر شد. مرحله سوم رسیدگی به طرح کاشت شهر بود. انتخاب و کاشت گونه‌های متنوع براساس ویژگی‌های هر فضای شهری. مرحله نهایی تخریب پارکینگ‌ها بود که زمین‌های تحت اشغال آنها به مجموعه‌ای جدید از برنامه‌های شهری اختصاص می‌یافت و در عین حال مشکل پارک اتومبیل‌ها در لبه بولوارها و خیابان‌های عریض حل می‌شد.

آیا این روش تفکر و اجرا می‌تواند در خلق فضاهای جمعی محله‌ای نیز عملی باشد؟

احیای منظر شهری «روبه»، شهری خالی از صنعت و سرشار از بیکاری جمعیت کارگر شهر، نیز مفید واقع شد. در اینجا نیز، شهر، با توجه به نقش فضاهای جمعی در پیشرفت کیفیت زندگی شهری، برنامه بازسازی فضاهای جمعی شهر و حومه‌های کارگرنشین طرح‌ریزی شده است. خلق یک میدان عمومی در جایی که تنها شبکه‌ای بی‌معنی از خیابان، بدون هیچ نشانه و جهت‌گیری فضا را پر کرده بود، سطح محله را ارتقاء داده است. این مثال، یادآور چهار مرحله‌ای است که از زمان تصمیم‌گیری برای خلق فضای جمعی تا پایان اجرای آن وجود دارد. پس از تصمیم‌گیری در مورد مکان‌یابی این فضای جمعی و اینکه نقطه ارتباط میان چه خیابان‌ها و محلاتی باشد، نوبت به طراحی شکل و کالبد برای آن رسید. مسئولین در این مرحله بر آن شدند تا این فضای جمعی جدید را قطبی برای ارتباط خیابان‌های محله‌ای قرار دهند. پس از آن، طرح‌ریزی ساختمان‌های جدید (تراکم، ارتفاع، بخش‌بندی)، غرفه‌های تجاری همکف و مسکن در ارتفاع آغاز شد. برای تضمین کیفیت منظر شهری، این مرحله، نیاز به دانشی تمام و کمال برای برش، تعیین حد، رسم خطوط و ارتفاع فضا دارد. و سؤال آخر: چه زبان معمارانه‌ای سخن بگوید؟

در اینجا نیز، پاسخ از راه مشاهده دقیق زمینه پیدا شد. ویژگی معماری سنتی شهر، استفاده از آجر قرمز است. سایر عناصر تنها نقش تزئینی دارند. شمایل گچی سفید که همخوانی زیادی با نمای قرمز آجرها دارند، به وفور مشاهده می‌شود. نمای ساختمان‌های جدید دارای دو نما هستند؛ یکی نمای آجر قرمز در پایین و دیگری نمای بتنی سفید رنگی که با فاصله دو متر از نمای قرمز به صورت یک رواق ساخته شده است تا سرپناهی در مقابل باران برای مشتریان باشد که در غرفه‌های تجاری همکف قدم می‌زنند و برای طبقات مسکونی، به صورت تراس در می‌آید و طول خانه را تا حدی افزایش می‌دهد (تصاویر ۸ و ۹).

بهسازی فضای جمعی، مراجعه به تاریخ و مفاهیم را تا حد جزئیات و مصالح ضروری می‌سازد.

در شهر آورسا در جنوب ایتالیا، تغییر قدرت شهرداری هنگامی نمایان شد که تصمیم گرفتند سنگ فرش فضاهای جمعی را از بین ببرند. این میل به امروزی شدن را از طریق احداث نوعی کفسازی قرمز چینی پیاده کردند.